



دانشنامه خیامی

نویسنده: علیرضا ذکاوتی قراگزلو

مجله کتاب ماه ادبیات و فلسفه، آبان ۱۳۷۷، شماره ۱۳ (از ۴۰ تا ۴۱)

کسانی که به کاوش در آثار و افکار عمر خیام دانشمند و فیلسوف و شاعر معروف علاقه‌مندند دوست دارند که تمام آثار او را یک جا در اختیار داشته باشند. البته پیش از این محمدلوی عباسی کوشش شایان توجهی در این راه کرده بود اما سالهاست که آن مجموعه نایاب است و جز در کتابخانه‌ها یافت نمی‌شود. آقای رضازاده ملک در این مجموعه علاوه بر گردآوری اکثر آثار مسلم خیام کوشیده‌اند برای رسالات عربی از ترجمه‌های موجود نیز هر چه هست نقل کنند ضمن آنکه در مقدمه رساله اطلاعاتی که درباره آن رساله به دست آورده‌اند از لحاظ خوانندگان می‌گذرد.

رسالات و آثار چاپ شده عمر خیام در این مجموعه به شرح زیر است:

القول علی اجناس الذی بالاربعه (بخشی از رساله موسیقی خیام) - رساله فی شرح ما اشکل من مصادرات کتاب اقلیدس - رساله فی قسمه ربع الدایره - رساله فی البراهین علی مسائل الجبر و المقابله - رساله فی الاحتیال لمعرفة مقدارى الذهب و الفضة فی جسم مرکب منهما - ترجمه خطبه الغراء ابن سینا - رساله فی الکون و التکلیف - ضروره التضاد فی العالم و الجبر و البقاء - سالة الضیاء العقلی فی موضوع العلم الکلی - رساله در علم کلیات وجود - رساله فی الوجود - رساله جوابا لثلث مسائل - رساله در کشف حقیقت نوروز - سروده‌ها

اینک بعضی نکات:

الف- علاوه بر رسالات فوق عمر خیام، رسالات دیگری تحت عنوان مختصر فی الطبیعیات و لوزام الامکنه و مشکلات الحساب داشت هاست که نشانی از آنها در دست نیست.

ب- تحقیق درباره رباعیات (از سال ۵۷۲ تا ۷۵۰ ه.ق) کامل نیست چرا که به نسخه رائف (۶۹۰ ه.ق) و نیز رباعیاتی که در جنگ کتابخانه لا لا اسماعیل و کتابخانه‌های دیگر ترکیه وجود داشت توجه نشده است (ر ک: مقاله سید علی میر افضلی در مجله معارف مرکز نشر دانشگاهی درباره رباعیات خیام).



گروه فرهنگی سایه خیال

ج- از تحقیقات معاصران، خصوصاً نکاتی که مرحوم محیط طباطبایی درباره تقویم جلالی ذکر کرده قابل توجه است و به آن اشاره‌ای نکرده‌اند.

البته، حسن سلیقه گردآورنده محترم و اینکه چاپ مجموعه آثار خیام یکجا در دسترس نسل معاصر قرار می‌گیرد جای تقدیر و تشکر دارد.

به لحاظ استفاده خوانندگان عباراتی از ترجمه بعضی رسالات نقل می‌گردد:

تحقیق و تحصیل علوم با براهین حقیقی بر آنان که طالب نجات و سعادت ابدی هستند فرض است خصوصاً آنچه کلی است و قوانینی که بدانها تحقیق معاد و اثبات بقای نفس و تحصیل اوصاف واجب الوجود تعالی، و ملائکه و ترتیب آفرینش و اثبات نبوت سید مطاع بین خلق و آنچه به فرمان خداوند تعالی، به قدر طاقت انسانی بدانها امر و آنچه از آنها نهی فرموده است می‌شود.

اما جزئیات علوم غیر مضبوط و اسباب آن بینهایت است و با این عقلهای انسانی قابل احاطه نیست و جز به حس و خیال و توهم قابل دریافت نمی‌باشد (ص ۱۱۳).

این از مقدمه شرح ما اشکل من مصادرات اقلیدس است و در حدود ۴۷۰ ه. ق یعنی حدود ۳۱ سالگی خیام نوشته شده. این عبارت در عین آنکه بیانگر یک نظرگاه رسمی است کنجکاوی خاص خیام را بویژه در جمله اخیر نشان می‌دهد.

در همین مقدمه می‌خوانیم:

اما آنچه به هندسه مربوط می‌شود. فایده این جزء از حکمت ورزیدگی و تند شدن خاطر و عادت نفس به اشمئزاز از آنچه که آن را برهانی نیست مبادش (ص ۱۱۳).

اگر به یاد بیاوریم که غزالی تعلیم هندسه را بد می‌داند دقیقاً از همین لحاظ که ذهن را عادت به استدلال استوار می‌دهد و این انتظار را به وجود می‌آورد که دلایل معتقدات دینی هم می‌بایست به همان استحکام باشد، متوجه اقتباس غزالی از این دیدگاه خیامی یا به هر حال از این دیدگاه حکمای شرع که البته مطلب را گرفته و در غیر مورد خود بکار برده است. چنانکه تقسیم باطلان شناخت حق به چهار گروه متکلمان، فلاسفه، اسماعیلی، و اهل تصوف (ص ۳۸۹) را هم غزالی از خیام گرفته و در المنقذ من الضلال آورده است.



گروه فرهنگی سایه خیال

در مقدمه رساله جبر و مقابله می‌خوانیم:

ما در روزگاری زندگی می‌کنیم که از اهل علم عده کمی با هزاران محنت باقی مانده‌اند که در صدد آن هستند که غفلت‌های زمان را فرصت جسته به تحقیق در علم و پایدار کردن آن پردازند و بیشتر حکیم نمایان زمان ما حق را جامه باطل می‌پوشانند و از حدّ ریا و تظاهر به دانایی قدمی فراتر نمی‌گذارند و آنچه را که می‌دانند جز در راه خواسته‌های تن خود عرضه نمی‌دارند و اگر بینند که کسی جهد در جستن حق و عرضه داشتن راستی و ترک باطل و خودنمایی و خدعه دارد او را خوار می‌شمرند و تمسخر می‌کنند. در هر حال خدا یار و پناه همگان است (۲۴۳).

در این عبارت فکر عمیق و دریافت دقیق خیام از روحیه زمان و طرز زندگی عالم نمایان آشکار است و درست همان فیلسوف گوینده رباعیات اصیل است که دارد حرف می‌زند.

در ترجمه خطبه الغراء ابن سینا که باز از آثار جوانی خیام است عبارتی می‌خوانیم که در دوران پختگی فکرش نیز در رباعیات اصیل همان سخن را بیان می‌کند و آن نفی غرض از ایزد متعال است:

بباید دانستن که ایزد عز و علا را در هیچ چیز غرض نبود که غرض از عجز و نقصان صاحب غرض باشد (۳۱۶).

عین این مضمون را در رساله کون و تکلیف نیز می‌بینیم:

هیچ موجودی نیست که از مطلب «آیا هست این چیز؟»... خالی باشد... ولی ممکن است بعضی موجودات اشیاء از «لمیت» (چرایی) خالی باشد و آن عبارت از اشیاء واجب است (۳۳۶).

در همین رساله وقتی قدری مطلب پیشتر می‌رود می‌نویسد:

همانگونه که لمیت [چرایی] را به ذات واجب الوجود راه نیست به وجود وی نیز راهی نخواهد یافت و هیچ یک از اوصاف باری چرایی ندارد (۳۳۸).

و این همان فضای فکری رباعیات اصیل خیامی است. با این که رساله باز هم از کارهای جوانی خیام است (۴۷۳ ق) به علاوه او می‌کوشد که پاسخی رسمی به سؤال‌کننده- که یک قاضی است- بدهد، آنجا که می‌خواهد نظریه امکان اشرف را بیان کند چنین



گروه فرهنگی سایه خیال

عبارت دو پهلویی می‌نویسد و فی الواقع بطور غیر مستقیم می‌رساند که نظریه فلوپینی فیض و حدود مشائیان اسلامی استحکام قطعی ندارد و می‌شود تصور کرد که پذیرفتن آن ناشی از ضعف نفس باشد نه قوت کلام به خودی خود.

از مشکل‌ترین مسائل...مسأله تفاوت موجودات در درجه شرافت می‌باشد. بدان در این مسأله، بسیاری دچار حیرت شده‌اند تا آنجا که فرزانه و خردمندی را نتوان یافت که در این باب با تحیر دست و گریبان نباشد و شاید من و معلم من افضل المتأخرین شیخ الرئیس بوعلی سینا بیشتر در این مسأله امعان نظر کردیم و در نتیجه بحث به جایی رسیده‌ایم که نفوس خود را قانع کرده‌ایم و این قناعت یا به واسطه ضعف نفس ما بوده است که به چیز رکیک باطل که ظاهری آراسته دارد قانع شده‌ایم و یا به واسطه قوت کلام در نفس خویش می‌باشد که ما را به اقناع وادار کرده است (۳۳۸).

در دنباله مطالب این رساله که خیام «تکلیف» را توجیه می‌نماید غالباً سخن از خواصّ مصلحت‌گرایانه تکلیف است نه تأکید بر حقانیت نفس الامری آن.

پس از اوامر و نواهی الهی و نبوی راجع به طاعات سه منفعت می‌توان تحصیل کرد:

یکی آنکه به وسیله طاعت، نفس را ریاضت می‌دهیم تا به امساک در شهوات معتاد شود و بتواند از ازدیاد قوه غضبی...جلوگیری نماید.

دوم آنکه نفس به تأمل در امور الهی و احوال معاد...عادت کند تا بدین وسیله بر عبادات مواظبت نماید و در غرور نیفتد و بتواند در ملکوت تفکر نماید.

سوم به واسطه آیات و تهدیدات و وعده‌ها و وعیدها که برای اجرای احکام قوانین و سنن عادلانه لازم است شارع شرع مردم را تذکار دهد و به این واسطه اصول عدالت و تعاون را میان آنها اجر کند اینکه گفته‌اند خیام به تمام مسائل و معماهای مطرح شده در رباعیات منسوب به او در رسالات پاسخ روشن داده، حرف مسامحه‌آمیزی است. مثلاً به معضل تضاد و شر در رساله کون و تکلیف (ص ۳۳۹) و رساله ضرورة التضاد... (۳۵۹) پاسخی داده که در نجات بوعلی و دیگر کتب مشائیان شبیه آن مطالب موجود است و ظاهراً هر دو رساله در پاسخ یک قاضی و عالم شرعی (امام) با نفوذ است. خیام به عنوان یک مدرس برجسته و صاحب‌نظر در فلسفه مشاء که تالی تلو بوعلی شمرده می‌شد یک جواب رسمی از دیدگاه فلسفه مشائی داده نه اینکه لزوماً معقد او همین باشد. در همین رساله ضرورة التضاد...به مسأله جبر نیز پاسخ می‌دهد و آن را فی الجملة می‌پذیرد به شرط آنکه به هدیان و خرافه منجر نشود (۳۶۰) و این همان نظر گاهی است که در رباعیات اصیل بیان شده است.



گروه فرهنگی سایه خیال

رساله جوابا لثلاث مسائل خیام که ظاهرا اولین بار است به صورت نسخه عکسی چاپ می‌شود شایسته تأمل بسیار است. اجمالا اشاره می‌کنیم که در این رساله مسأله بقای نفس شخصی بعد از مرگ و نیز مسأله ذرات بینهایت (که بر خلاف نظر مشائیان است چون آنها ذرات ذیمقراطیسی را قبول نداشتند) مطرح شده است (ص ۴۱۶) که اینها هم از مسائل عمده رباعیات اصیل خیامی است.

حیدر حیدر
و نسیم نسیم